

بازخوانی نشانه‌های زبان ارتباطی بخشی از کتیبه عمارت

قلم‌فرسا در شیراز از منظر نظریه ارتباطی یاکوبسن

سیده آیدا برکاتی^۱

حانیه‌سادات زنده باد^۲

محمدمنصور فلامکی^۳

چکیده

نشانه‌شناسی روشی است که در تداوم خردی فلسفی در غرب شکل گرفت اما به صورت ناملموس و منسجم با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. نشانه‌شناسی فرآیندی است که هویت خود را بر اساس متن به دست می‌آورد و به عنوان ابزاری ارتباطی بین معماری و مخاطب به گفت‌و شنود می‌نشیند. به عقیده یاکوبسن زبان مبین نشانه‌ها است و نظریه ارتباطی خود را با ۶ کارکرد (ارجاعی، عاطفی، کنایی، هنری، همدلی و فرازبانی) معرفی می‌کند. در اینجا ۶ مصداق معماری (زمینه فرهنگی، رمزگان معماری، کاربرد صحیح، ابزار ارتباطی، کارکردی نمادین و رمزگان فرا معماری) را معادل با آن می‌توان در نظر گرفت. این پژوهش با هدف بازخوانی بخشی از کتیبه عمارت قلم‌فرسا در شیراز از منظر نظریه ارتباطی یاکوبسن صورت گرفت و دو پرسش در آن مطرح شد. چگونه می‌توان با تأکید بر نظریه ارتباطی یاکوبسن کتیبه ملحق به فضای معماری را بازخوانی نمود؟ چرا باید این کارکردهای زبانی را در یک اثر بازخوانی کرد؟ در راستای پاسخ به این پرسش‌ها نخست با استناد به متون کتابخانه‌ای و مقالات، به تبیین دیدگاه مبتنی بر نظریه زبان‌شناسی یاکوبسن پرداخته می‌شود و در ادامه با تأکید بر نشانه‌شناسی از منظر ساختارگرایان و نیز اندیشه یاکوبسن، مبانی نظری پژوهش تدقیق می‌گردد. بخش نخست که از نوع کلامی و متن است، واژگان کلیدی و متغیرها توصیف و تحلیل می‌شوند و در ادامه، این نظریه با بخشی از کتیبه عمارت قلم‌فرسا مورد تطابق قرار می‌گیرد. نتایج حاکی از آن است که گاهی چندین کارکرد را در یک اثر می‌توان مشاهده نمود درحالی که یکی از آنها بارزتر از باقی موارد است.

واژه‌های کلیدی: نظریه ارتباطی یاکوبسن، نشانه‌شناسی، ساختارگرا، کتیبه، عمارت قلم‌فرسا.

۱) دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Aida.barekati@gmail.com

۲) پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

h.s.z.architect@gmail.com

۳) استاد معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Mansour.falamaki1313@gmail.com

۱- مقدمه

یاکوبسن از نظریه‌پردازان حوزه زبان‌شناسی و نظریه ادبی، برای نخستین بار شش مؤلفه را تحت عنوان عناصر سازنده زبانی معرفی کرد و معتقد بود برای آن که ارتباطی موفق از شکل ساده خود خارج شود باید سه مؤلفه دیگر تماس، رمزگان و علائم، حضور مؤثری داشته باشند. فرایند ارتباطی تنها با قرار گرفتن مخاطب در مقابل فرستنده یا گوینده برقرار نمی‌گردد بلکه در مواقعی که گیرنده یا مخاطب در غیاب فرستنده و گوینده پیام است امکان گفتگویی مجازی وجود دارد. مخاطب فرضی در زمان مواجهه با اثر به گفتگو با نویسنده، شاعر و یا هنرمندی می‌پردازد که در غیاب او اثری را خلق کرده است. این نکته را در ارتباط با مؤلفه‌های معماری نیز می‌توان تبیین نمود. وقتی مخاطب در برابر اثر قرار می‌گیرد، سازنده آن اثر حضور فیزیکی ندارد لذا مخاطب از طریق ارتباط با اثر یا بخشی از آن، غیرمستقیم با خالق آن ارتباط برقرار می‌کند. از آنجایی که «مؤلفه‌های نظریه ارتباطی یاکوبسن دارای چهارچوب مشخص و تعریف‌شده‌ای است» (صراحتی جویباری و محسنی، ۱۳۹۵: ۹۸) به نظر می‌رسد قابلیت کاربرد در حوزه معماری را نیز دارد. ضرورت انجام این پژوهش به واسطه نقش بسزای زبان‌شناسی در مسائل علوم انسانی و هنر است لذا می‌توان کتیبه و زبان آن را به عنوان بخش کوچکی از یک اثر معماری قابل تأمل دانست، همین‌طور لازم به ذکر است این پژوهش سعی بر آن است تا از دیدگاه نشانه‌شناسی به تطابق نظریه ارتباطی یاکوبسن بر کاشی‌کاری بخشی از کتیبه عمارت قلم‌فرسا در بافت تاریخی شیراز پرداخته شود و مشخص شود که چگونه می‌توان با تأکید بر نظریه ارتباطی یاکوبسن کتیبه ملحق به فضای معماری را بازخوانی کرد؟ و چرا باید این کارکردهای زبانی را در یک اثر بازخوانی نمود؟ پژوهش پیش رو در راستای پاسخ به پرسش نخست مفاهیم مورد نظر بر اساس متغیرهای وابسته (نظریه ارتباطی یاکوبسن، کارکردهای ارتباطی، کتیبه) و مستقل (زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و عمارت قلم‌فرسا) استخراج و سپس مؤلفه‌های مستخرج از بخش پیشین در جزئی کوچک از یک بنای معماری (کتیبه‌ی قلم‌فرسا) بررسی می‌شود. بر این اساس روش تحقیق این پژوهش به صورت ترکیبی است به این معنا که اجازه می‌دهد تا مباحث حول روش جمع‌آوری داده‌ها (مطالعات، نمونه موردی و مشاهدات میدانی) در یکدیگر ادغام شوند. برای این منظور با استناد به متون کتابخانه‌ای و مقالات، نظریه زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی یاکوبسن در حوزه مورد نظر تبیین و سپس نظریه مذکور با کتیبه کاشی‌کاری عمارت قلم‌فرسا تطبیق می‌گردد. لازم به ذکر است دلیل انتخاب خانه قلم‌فرسا توجه به میراث ارزشمند این مرزوبوم است.

۲- پیشینه مطالعات

با بررسی پیشینه نظریه ارتباطی یاکوبسن چنین استنباط می‌شود که در سه حوزه می‌توان مطالعات پژوهشگران را دسته‌بندی و بررسی کرد؛ نخست نظریه ارتباطی یاکوبسن در حوزه ادبیات که به تفسیر فضای اشعار مشاهیری چون ثنایی، نظامی و ... می‌پردازد، دوم پژوهش‌هایی که به تطبیق نظریه ارتباطی یاکوبسن با فضای اجتماعی اختصاص یافته است و دسته سوم که به نوعی راهگشا خواهد بود به ارتباط مخاطب با اثر هنری از منظر پژوهشگران معماری و هنر اتفاق می‌افتد که نظریه ارتباطی یاکوبسن

را در هنر (تطبیق هنر خطاطی و نشانه‌ها) و فضای معماری بررسی می‌کند. اساساً ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان غفلت از عناصر کوچک معماری و یا به عبارت بهتر خرد مؤلفه‌های کالبدی دانست که بر درک هرچه بیشتر یک اثر و تفکر پنهان در زمان آفرینش آن می‌انجامد. در ادامه پژوهش‌های انجام‌شده با اولویت‌بندی سال‌های انجام پژوهش‌ها ارائه می‌شود.

- امامی میبیدی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «پیام حفاظت معماری در شمای ارتباطی یا کوبسن» به این نتیجه رسیده است که قرابت بین زبان‌شناسی و معماری انکار ناشدنی است، یا کوبسن در به‌کارگیری نظریه ارتباط در ادبیات قائل به شش مؤلفه ارتباطی است: پیام اثر؛ (معنی معماری)-فرستنده پیام (معمار سازنده-مرمتگر)؛ گیرنده پیام (مخاطب-بازدیدکننده)؛ رمز (قواعد و هنجارهای بیانی معماری)؛ زمینه ارتباطی (زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ...). مجرای ارتباطی (رسانه معماری با ساخت مایه‌ها). با تعمیم نظریه یا کوبسن به حفاظت معماری، مرمت‌های گوناگونی شکل می‌گیرد که بر اساس نوع بنا و پروژه تغییر می‌یابد. حفاظت‌گر با در نظر گرفتن شرایط موجود و تأکید بر یکی از محورهای ارتباطی نوع مرمت را انتخاب و اجرای می‌نماید.

- عسگری و پورمند (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «واکاوی کارکردهای ارتباطی در تایپوگرافی (اعلان اسماء‌الحسنی در ایران) با رویکرد نظری یا کوبسن» توضیح دادند که تایپوگرافی اسماء‌الحسنی در مجرای ارتباطی اعلان یا پوستره، قابلیت‌های زیادی از این شیوه بیانی را عرضه می‌کند. کارکرد ارجاعی در تایپوگرافی می‌تواند به صورت خوانایی (مصدقی) یا در کارکرد عاطفی (بیانگر) بروز ذهنیت طراح از طریق روان‌شناسی فرم، رنگ و ساختار، در کارکرد ترغیبی (تأثیرگذار) از دال‌های جلب‌کننده و کارکرد هنری، با تأکید بر روی پیام و تکنیک‌های اجرای دستی و تزئینی، نوع فرازبانی به صورت عناصر فرا تصویری کدگذاری شده و در کارکرد همدلی زمینه ارتباطی هنرمند با مخاطب از طریق اعلان تعریف شود.

- قاسمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود جایگاه روایت شنوها و انگیزه راوی در الهی‌نامه عطار نیشابوری (با تکیه بر نظریه ارتباطی رومن یا کوبسن) را بررسی کرد. به اعتقاد او در علم روایت‌شناسی در هر متن روایی (داستان) دو سطح-جهان داستان و جهان روایت- وجود دارد و تجلی این دو جهان در الهی‌نامه عطار باعث ایجاد گونه روایت‌پردازی خاصی گردیده است. روایت شنو (مخاطب) از عناصر جدایی‌ناپذیر هر متن روایی (داستان) است. گذر از روایت شنو درون داستانی به روایت شنو برون داستانی در الهی‌نامه به دلیل نوع خاص ادبی وجود درس اخلاق توسط نویسنده ملموس است.

- قاسمی و مرادی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «تحلیل ساختار شکل‌گیری معنا در شعر «قصه‌ای از شب» مهدی اخوان ثالث بر اساس آراء یا کوبسن» نتیجه گرفتند که در نقد ساختارگرا متون ادبی مجموعه‌ای از پدیده‌های زبانی در نظر گرفته می‌شود که از هر متن دیگری متمایز می‌کند. فرایندهایی که این تمایز را سبب می‌شوند، در تمام سطوح (آوایی، دستوری و واژگانی) قابل تشخیص است. با بررسی فرایندهای آوایی، دستوری - واژگانی و معنایی نشان داده شد که نظام کلمات چگونه سبب پیدایش

لایه‌های پنهان در شعر شده‌اند که در خلق زیبایی مؤثرند و نیز به کشف شبکه معنایی شعر ناآل آمده است.

- احمدی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «تحلیل واژانه بر مبنای الگوی ارتباطی یا کوبسن» چنین بیان کرد که در مثلث «شاعر، اثر ادبی، مخاطب» آنها که بر اثر ادبی، توجه و تمرکز بیشتری ورزیده‌اند از استقبال کمتری برخوردار بوده‌اند و بالعکس، طبق نتایج و رهیافت‌های این پژوهش در این نوع نوشتار، گاهی شاعر بر پیام توجه بیشتری دارد و گاهی بر مخاطب اثر؛ اما چیزی که مشهود است توجه به پیام (شعر) بیشتر از عناصر دیگر است چون درک معنا را برای مخاطب به تأخیر می‌افکند و او را برای دریافت معنا به تکاپو وامی‌دارد.

- مهدیزاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود کارکردهای گوناگون عکس‌های مستند اجتماعی بر اساس کارکردهای زبان (نظریه ارتباطی یا کوبسن) را بررسی کرد. وی چنین بیان کرد که اگرچه مستندسازی وقایع و رویدادهای جامعه انسانی، از اهداف عکاسی مستند اجتماعی است؛ اما عکاس مستند اجتماعی، صرفاً به رو نگاری از واقعیت وقایع‌نگاری گزارش‌گونه نمی‌پردازد؛ بلکه به گزینش و ترکیب عناصر وقایع جامعه انسانی می‌پردازد و با قاب‌گذاری بر قطعه‌ای از واقعیت اجتماعی در لحظه‌ای معین از زمان، عکسی می‌آفریند که مخاطب را به تماشا، تفکر، تأمل و داوری فرامی‌خواند و حتی می‌تواند واکنش عملی او را نسبت به موضوعی برانگیزاند. در هر عکس مستند اجتماعی با غلبه یکی از کارکردهای ارجاعی، عاطفی، ترغیبی و هنری، روبرو می‌شویم. به بیان دیگر، عکاس مستند اجتماعی می‌تواند تنها به ارائه اطلاعات پیرامون موضوعی بسنده کند (کارکرد ارجاعی)، یا بینش و احساس خود را درباره موضوعی بیان نماید (کارکرد عاطفی) و یا اینکه، با تحریک احساس و اندیشه مخاطب، او را به واکنش وادارد (کارکرد ترغیبی) و یا فارغ از اینها، به واسطه برجسته کردن ساختمان صوری عکس، حظی بصری به مخاطب ببخشد (کارکرد هنری). قاب و لحظه گرفتن عکس، از عناصر اصلی در بروز کارکردهای ذکر شده‌اند.

- عقدایی و بیداخویدی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «تعامل زبان و معنا در سوانح غزالی بر پایه نظریه ارتباطی یا کوبسن» چنین نتیجه گرفتند ابزارهای زیبایی‌شناختی زبان، در به تأخیر انداختن معنا و دریافت آن مؤثرند.

- حاتمی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یا کوبسن» چنین بیان کردند که ابوسعید ابوالخیر اغلب، به هنگام ترویج یا تذکر هنجارهای اخلاقی، تبیین و تأیید احوال خود یا دیگران و رفع حوایج مادی و معنوی مخاطبان عام و خاص، با استفاده از زبان ادبی و احیاناً تمسک به شگردهایی چون مناظره و بیان سخنان شطح آلود و شگفت‌انگیز، به تکلم روی آورده است. گزاره‌های ارتباط زبانی‌اش، بسته به موقعیت گوینده، مقصد کلام و مقتضای مخاطب و سخن، به ترتیب بر عناصر مخاطب، رمزگان، موضوع و گوینده استوار است. نقش‌های ارتباط کلامی حاصل از تأکید بر این عناصر، غالباً تلفیقی از نقش‌های ترغیبی، فرازبانی، ارجاعی، عاطفی و گاه ادبی است که در این میان به سبب مخاطب محور بودن سخنان، نقش ترغیبی و

به دلیل کد دار بودن گزاره‌ها و لزوم آگاهی مخاطبان از پس‌زمینه گزاره‌های کلامی، نقش فرازبانی از برجستگی بیشتری برخوردار است.

- نوروبزی (۱۳۹۱) شعر نظامی بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن را بررسی کرد و چنین بیان کرد که در نظریه ارتباطی یاکوبسن، شعر از جنبه‌های بلاغی، دستور زبان، معنا و... تحلیل می‌شود، شعر نظامی از نظر علم بلاغی ارزش چشمگیری دارد، در خمسه و دیوان نظامی، حضور مخاطب و توجه‌گوینده به وی مشهود است و بین‌گوینده و شنونده ارتباطی دوسویه برقرار است؛ یعنی مخاطب نیز بر شاعر اثر می‌گذارد.

- فاروقی هندولان (۱۳۸۸) در مقاله خود غزلی از سعدی بر پایه روش یاکوبسن را تحلیل کرد. وی در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا وزن، بحر، قافیه و ردیف انتخاب شده توسط شاعر، القاگر مفهوم و محتوای غزل هست یا خیر. پس از آن با این استدلال که واج‌ها به طرق مختلف می‌توانند در موسیقی شعر و رساندن مفهوم اثر نقش ایفا کند، این غزل از منظر واجی تحلیل شد و عوامل مختلف واجی از قبیل واج‌آرایی، جایگاه تولید و شیوه تولید، دوری یا نزدیکی جایگاه‌های تولید از یکدیگر و تکرار واج‌ها با در نظر داشتن تأثیر هر یک بر موسیقی شعر و در نهایت القا مفهوم، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در انتها تأثیر انتخاب واژگان بر موسیقی و معنای این غزل بررسی شد.

- نبی‌لوچهرقانی (۱۳۸۷) دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی (چهارچوب نظریه یاکوبسن) را بررسی کرد و چنین بیان کرد که سنایی به نقش معنا و الفاظ در زبان، ارتباط زبان با عقل و اندیشه و تأثیر زبان اشاره کرده است. او همچنین به رابطه شعر و سحر و برخاستن شعر از طبع و جان توجه دارد. از نظر سنایی شعر باید با شریعت و حکمت همراه باشد. شاعر نیز باید دارای سبکی غریب و شگفت باشد و از کمال‌گرایی در شعر، تفکر و اندیشه، سحر و جادوی کلام، سخن متعهدانه، روانی طبع و تأثیر پیامبرگونه برخوردار باشد. از نگاه سنایی نظر و پسند خواننده و مخاطب، محترم است و تشویق او بر چگونگی سخن شاعر تأثیر می‌گذارد.

- حق‌شناس (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «یاکوبسن، وجودی حاضر و غایب» چنین بیان می‌کند که شناخت آرا و نظریه‌های رومن یاکوبسن و طرح تصویری از شخصیت علمی و فرهنگی او کاری است هم آسان هم دشوار، بدیهی است که هر که حتی یک مقاله یا یک گفتار او را خوانده باشد، حتماً به گوشه‌هایی از آراء او راه برده و به تصویری از شخصیت علمی او در ذهن خود رسیده است، لذا می‌تواند درباره او در همان حدود سخن بگوید چراکه اولاً، یاکوبسن آرا و نظریه‌های خود را، هر یک، در قالب مقاله یا گفتاری به ظاهر مستقل پیش می‌نهد و در نتیجه فهم آنها را مشروط به شرایط پیش داده چندان نمی‌کند؛ ثانیاً، یاکوبسن، به گفته ویچسلاف ایوانف، کلی‌ترین قضاها در قالب اصطلاحاتی عینی و ملموس و همراه با مثال‌هایی مشخص مطرح می‌سازد.

۳- یاکوبسن و نظریه ارتباطی او

رومن اوسپوویل یاکوبسن نظریه پرداز، منتقد ادبی و زبان‌شناس روسی، بنیان‌گذار زبان‌شناسی (ساختگرایی) پراگ (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۱۳۵) در مقاله‌ای با عنوان «زبان‌شناسی و بوطیقا» الگوی ارتباطی و عوامل تشکیل‌دهنده آن را معرفی کرد (یاکوبسن، ۱۹۶۰: ۵۴). او معتقد بود ساده‌ترین روش ارتباطی انتقال پیام (=متن) از فرستنده به گیرنده است و ارتباط زمانی می‌تواند موفق تلقی شود که تماس، کد و زمینه را به همراه خود داشته باشد. به عبارت بهتر او الگویی از ارتباط گفتاری بینامتنی ارائه می‌کند که به استفاده از یک رمز مشترک توسط افراد سهیم در ارتباط صحنه می‌گذارد (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۱۷۶) و این امر را تحت عنوان نظریه ارتباطی یا کنش ارتباطی معرفی می‌کند. یاکوبسن شش عنصر ارتباطی را در کلام شامل فرستنده، گیرنده، موضوع، پیام، رمز، تماس (مجرای ارتباطی) ارائه می‌دهد (یاکوبسن، ۱۳۷۷). به بیان دیگر مهم‌ترین وظیفه ذاتی زبان انتقال پیام از گوینده به شنونده، از نویسنده به خواننده و از معمار به مخاطب است (گرچی و نورالدین اقدم، ۱۳۹۶) به طوری که فرستنده پیامی دال بر موضوعی را به مخاطب می‌فرستد (یاکوبسن، ۱۳۶۹). به موازات دلالت پیام بر موضوع باید فرستنده و گیرنده پیام رمزهایی را که در نشانه‌های آوایی و گفتاری نهفته است کاملاً و یا جزئاً بشناسند. یاکوبسن ذکر می‌کند که اثربخشی ارتباط گفتاری، وابسته به استفاده از رمز مشترک توسط افراد سهیم در این ارتباط است (چندلر، ۱۳۸۷). از آنجایی که در هر فرایند ارتباطی، به تماس یعنی مجرای فیزیکی نیاز است، پیوندی ذهنی بین فرستنده و گیرنده اتفاق می‌افتد تا به آنها امکان برقراری ارتباط با یکدیگر را بدهد. از نظر یاکوبسن جهت‌گیری و تأکید بر روی هر کدام از عناصر این الگوی ارتباطی موجب بروز کارکردهای خاصی در هر فرایند ارتباط کلامی می‌شود (یاکوبسن، ۱۳۶۹). هر یک از این کارکردها به همراه مختصری از ماهیت آن در جدول زیر ارائه شده است.

ماهیت	کارکرد	ردیف
این کارکرد با هدف نشان دادن موضوع (بافت)، رابطه بین پیام و مضمون پیام را مشخص می‌کند. فرمول‌بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات پذیر در باب مرجع پیام به منظور توصیف وضعیت، شی یا حالت روانی است. این کارکرد را می‌توان «کارکرد شناختی» یا «کارکرد عینی» هم نامید؛ مانند جملات صریح و مستقیم خبری: «دارد باران می‌آید».	کارکرد ارجاعی	۱
هدف نشان دادن موضوع محتوا و مضمون پیام		
این کارکرد رابطه میان پیام و فرستنده را رقم می‌زند. هنگامی که بین ما یا پیام ارتباط برقرار می‌شود، می‌توان نگرش خود را نسبت به آن موضوع ابراز کرد و گفت آن پدیده به نظر خوب است یا بد، زشت است یا زیبا، مطلوب است یا منفور، مودبانه است یا تمسخرآمیز به طور کل متکی به مخاطب (فرستنده) و معنای یک گفته را تغییر نمی‌دهد. یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا ظاهر می‌شود، مانند: «ای‌وای» یا حتی در اصواتی مانند نچنج، لذا این کارکرد را می‌توان «کارکرد احساسی» یا «کارکرد ذهنی» هم نامید چون برای بیان احساسات و حالات درونی به کار می‌رود؛ مانند آه، چه باران زیبایی!	کارکرد عاطفی	۲
هدف نشان دادن احساس خاص گوینده		

¹ Representative

² emotive

ماهیت	کارکرد	ردیف
این کارکرد رابطه میان پیام و گیرنده را مشخص می‌کند (هدف تأکید به مخاطب است). حکم می‌تواند عقل گیرنده یا احساس او را هدف خود قرار دهد. در نتیجه، در این سطح هم می‌توان محتوای ارجاعی را با دلالت‌های عینی- شناختی دید و هم محتوای عاطفی را با دلالت‌های ذهنی- احساسی. این کارکرد نقش بسیار مهمی در تبلیغات دارد که در آنجا، هم اطلاع‌رسانی و هم برانگیختن احساسات مخاطب به موازات هم وجود دارد. مثال: «اینجا بمان تا باران بند بیاید».	کارکرد کنایی یا حکمی یا ترغیبی ^۱	۳
هدف	تأکید مخاطب	
یاکوبسن این کارکرد را همچون رابطه میان پیام و خود «پیام» تعریف می‌کند و به آن نقش ادبی نیز می‌گوید. نمونه برجسته کارکرد زیبایی‌شناختی در آثار هنری دیده می‌شود، جایی که مرجع پیام خود پیام است، و این پیام دیگر ابزار ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است. مثال: این بارش رحمت است که از آسمان فرود می‌آید.	کارکرد هنری یا زیبایی‌شناختی ^۲	۴
هدف	آفرینش زیبایی و ایجاد لذت در مخاطب و القای مؤثر پیام، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام	
هرگاه جهت‌گیری پیام به سمت تماس (مجرای ارتباطی) معطوف شود، اساساً مرجع پیام همدلانه خود «ارتباط» است، چرا که زبان واسطه تعامل، دلیل تماس و کانال ارتباطی با افراد است. هدف این کارکرد، برقراری، حفظ یا قطع ارتباط است. مثال: «الو، صدایم را می‌شنوی؟»؛ و یا برای جلب توجه مخاطب یا حصول اطمینان از هشیاری او: «ببینم، به حرف‌هام گوش می‌کنی؟».	کارکرد همدلی ^۳	۵
هدف	ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم یا قطع آن	
هدف این کارکرد، روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که ممکن است گیرنده آن را نفهمد، به عبارت بهتر جهت‌گیری پیام به سوی رمزی (مشترک بود رمزها بین گوینده و مخاطب) است. مثلاً کلمه‌ای در گیومه قرار می‌گیرد یا توضیح داده می‌شود. در اینجا مرجع پیام، خود «رمزگان» است. انتخاب رسانه نیز به کارکرد فرازبانی مربوط می‌شود. کادر یک تابلو، و طرح روی جلد یک کتاب، که ماهیت رمزگان را به نمایش می‌گذارد، انواع دیگری از کارکرد فرازبانی است.	کارکرد فرازبانی ^۴	۶
هدف	جهت‌گیری پیام به سوی رمز	

جدول ۱- انواع کارکرد در نظریه ارتباطی یاکوبسن (منبع: نگارندگان ۱۳۹۹)

۳-۱- نشانه‌شناسی از منظر یاکوبسن

نشانه‌شناسی روشی است که در تداوم یک خرد فلسفی در غرب شکل گرفت که موضوع اصلی توجه ساختارگراها، نظام‌ها و ساختارها است. از منظر ساختارگرایان زبان به عنوان نظامی از نشانه‌ها است که بیانگر اندیشه جمعی است (نوروزی و مقبلی، ۱۳۹۷). به این ترتیب نشانه‌شناسی را می‌توان از روش‌های تحلیل یک متن برشمرد که با کندوکاو پیرامون معانی ضمنی و پنهان مورد توجه قرار می‌گیرد. به این ترتیب فعالیت یاکوبسن به عنوان ساختارگرا در حوزه نظریه کلی نشانه‌ها یا نشانه‌شناسی با شکل‌گیری انجمن بین‌المللی نشانه‌شناسی در سال ۱۹۶۹ حائز اهمیت است، او معتقد بود تولید و تفسیر متون به

¹ conative

² Poetic

³ Phatic

⁴ Metalingual

وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی وابسته است (نوروزی و مقبلی، ۱۳۹۷). اساساً نشانه‌شناسی را بر پایه اصولی می‌دانند، یکی از این اصول، اصل ارتباط است که در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی نمود و هویت می‌یابد (کوزنتسووا؛ ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد برای درک چگونگی ارتباط انسانی مطرح می‌شود. به این ترتیب می‌توان بیان کرد که نشانه‌شناسی به واسطه مطالعه و نظریه‌پردازی در خصوص نشانه‌ها شکل گرفته و روند تجلی‌شان زاده هر چیزی است که بتوان آن را یک نشانه قلمداد کرد (نرسیسیانس، ۱۳۹۱: ۱۷).

۳-۲- اثرپذیری معماری از ابزار ارتباطی

نظریه ارتباطی یا کوبسن در هرگونه ارتباط انسانی قابل تبیین است. از آنجا که معماری نیز قابلیت انتقال پیام و ایجاد ارتباط بین سازنده و مشاهده‌کننده اثر معماری را دارد، تبیین نظریه مذکور در این حوزه امکان‌پذیر و شایسته خواهد بود. دیاگرام زیر جمع‌بندی از تبیین و تناظر هر یک از کارکردهای ارتباطی نظریه یا کوبسن با نشانه‌شناسی معماری را ارائه می‌دهد.



نمودار ۲- معیارهای بررسی مصداق (منبع: نگارندگان ۱۳۹۹)

۴- نمونه مورد مطالعه

این پژوهش در زمستان سال ۱۳۹۹، در قلمرو مکانی شیراز و خانه تاریخی قلم‌فرسا، انجام شده است. خانه تاریخی قلم‌فرسا که تاریخ ساخت آن را اوایل قاجار می‌دانند، در دوره پهلوی اول مرمت شد. این بنا جزو آثار ملی به ثبت رسیده و در بافت تاریخی شهر شیراز در محله سنگ سیاه و آرامگاه سیبویه واقع شده است. این بنا به صورت مفصلی مزین به کاشی‌کاری‌هایی روایی است که داستان‌هایی از

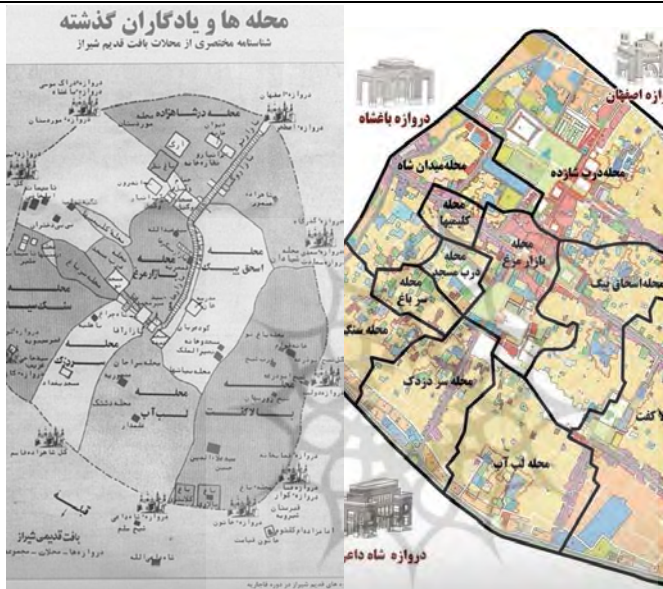
¹ Kuznetsova

پیامبران، روایت جنگ‌ها به صورت سوارانی بر اسب و نیز اسامی خدا و ائمه اطهار را به تصویر می‌کشد (نادری فرد، ۱۳۹۹).

عمارت و کتیبه منزل قلم‌فرسا

این خانه قاجاری که در برخی از اسناد گفته شده ساخت آن به سال ۱۳۱۱ هجری قمری برمی‌گردد در بافت اعیان‌نشین قدیم شیراز و در مجاورت بازار و حرم شاه‌چراغ واقع شده است. در وسط حیاط حوضی چهارگوش و در ضلع شرقی و غربی اتاق‌های متعدد استقرار یافته است. تزیینات این بنا دربرگیرنده دريچه‌های مشبک چوبی، به صورت ارسی با شیشه‌های رنگی، طاقهای مقرنس‌کاری شده، درهای منبت و معرق‌کاری شده و کاشی‌کاری است.

مشخصات کلی بنا



نقشه محله‌های شیراز

تصویر ۱. بافت محله‌های قدیمی شیراز (منبع: آرشیو شخصی)



نمای کلی بنا

تصویر ۲. دید پرنده به عمارت قلم‌فرسا (منبع: آرشیو نادری فرد ۱۳۹۹)

عمارت و کتیبه منزل قلم‌فرسا



برخی از کتیبه‌های
کاشی کاری شده

تصویر ۳. بخشی از کتیبه‌های کاشی‌های ۷ رنگ عمارت قلم‌فرسا (منبع: آرشیو نادری فرد ۱۳۹۹).

جدول ۲- شناسنامه عمارت قلم‌فرسا (نگارندگان ۱۳۹۹)

۴-۱- تطبیق معیارهای پژوهش با کتیبه خانه قلم‌فرسا

معیارهای پژوهش در تطابق با کتیبه شامل ارتباط با زمینه، اعم از زمینه تاریخی (تفکرات غالب سیاسی- اجتماعی)، زمینه جغرافیایی (مکان قرارگیری در فضای شهری) و زمینه انسانی (زمینه فرهنگی) است. در ادامه کاربرد صریح بنا که سکونت است و توصیف اجمالی خرد فضاها پرداخته می‌شود. سپس ابزاری که برای درک نشانه‌ها ضرورت می‌یابد بررسی و در ادامه رمزگان فرا معماری و معماری نیز در عمارت قلم‌فرسا تبیین می‌شود.

۴-۱-۱- ارتباط با زمینه (جو سیاسی، مکانی، اجتماعی و فرهنگی)

همان‌طور که پیشتر ذکر شده عمارت قلم‌فرسا، ساختمان مسکونی قاجاری است، ساخت این بنا با توجه به گمانه‌زنی‌ها به سال ۱۳۱۱ هجری برمی‌گردد. الگوی این خانه به صورت حیاط مرکزی، و تاکنون ۲ مرتبه بازسازی شده است. بازسازی نخست آن به دوره پهلوی اول باز می‌گردد و بازسازی دوم پس از انقلاب بوده است. پای نهادن شیراز به دوران رونق و شکوه معماری در زمان حکومت کریم‌خان زند به سال ۱۱۸۰ هجری قمری (معادل ۱۷۶۶ میلادی) به عنوان پایتخت وارد عرصه سیاست برمی‌گردد، در آن زمان شیراز یازده بخش داشت که پنج بخش آن بخش‌های حیدری، پنج بخش دیگر نعمتی و یک بخش متعلق به یهودیان بود (لامبتون؛ ۲۰۰۹).

۴-۱-۲- ابزار برقراری ارتباط

¹ Lambton

از آنجایی که معماری در کلیت ابزاری است برای انتقال اطلاعات به مخاطب، عناصر جزئی آن نیز به کمکش می‌آیند تا این ارتباط و انتقال را تسهیل کنند، تلطیف فضا، حضور رنگ‌ها با بار مفاهیم مختلف، استفاده از کاشی‌ها با ابعاد مشخص، هم‌نشینی رنگ‌ها چون عمامه سبزرنگ با زمینه آبی فیروزه‌ای، پرتوهای طلایی و زرد رنگ خورشید، نوشته‌های مشکی به نوعی هرکدام مفهوم آرامش و نشاط را که منبعث از باورهای فرهنگی افراد بوده منتقل می‌کند، شمایل همگی سه رخ هستند، که در آن تمامی عناصر صورت یک انسان دیده می‌شود، برای مثال: چشم برای بینایی و نماد بصیرت است.

۴-۱-۳- کاربرد صریح

به لحاظ کارکرد بنا به طور صریح، دقیق و شفاف باید جلوه‌گر خود باشد، چرا که هدف از برقراری ارتباط با یک اثر معماری شناخت کارکرد از طریق فرم آن است. و لذا باید گفت از آنجایی که این عمارت مسکونی بوده با حوزه‌های عملکردی مختص به خود (سکونت، تامین نیازهای اولیه در بخش‌های خدماتی، پذیرایی از مهمان، بسط فرهنگی و انتقال روشن باورهای اعتقادی به نسل‌های بعد و ...) هماهنگ است. کتیبه‌ها نیز برای بیان رویدادی خاص، به نمایش گذاشتن مفهوم ویژه، و همچنین برای زینت‌بخشی استفاده شده‌اند، در اینجا راوی حکایاتی مذهبی به همراه اسامی مطهر هستند که نمایش باورهای اعتقادی کارفرما را در مقیاس کوچکی تصویر می‌کند. نوشتار و شمایل‌ها از هرگونه اعوجاج و همپوشانی فاصله دارد به این ترتیب پاسخ درخوری به دریافت حس معنوی مخاطب داده می‌شود. حروف کاملاً تیره، ضخیم و توپر هستند به این ترتیب صراحت هر بخش را تبیین می‌کند. علاوه بر آن قاب‌بندی‌ها، کشیدگی حروف و نوشتار مبین مدلولی نیرومند، غالب و قدرتمند است.

۴-۱-۴- کارکرد نمادین

کتیبه‌های نصب‌شده بر جداره این عمارت دارای تنوع مضمونی فراوانی است. این تنوع مضامین به صورت مرزبندی‌هایی در کاشی هفت‌رنگ است. از مشخصه‌های اصلی کاشی قاجاری ظهور رنگ صورتی با هم‌نشینی در کنار رنگ‌های قهوه‌ای، زرد تند، سبز، آبی و سفید است. این نقوش در سه دسته نقوش هندسی، گیاهی، و فیگوراتیو (حیوانی و انسانی) طبقه‌بندی می‌شوند، نقوش انسانی با روایت داستان‌های رزمی و بزمی و داستان‌های تغزلی و اساطیری، نقوش ائمه و رجال که همگی دارای مبانی و مضامین مذهبی است حاکی از اعتقادات مذهبی صاحب‌خانه و نقل آن به معمار برای تصویرسازی در کتیبه‌ها است. روایات را نیز که می‌توان در طبقه نقوش هندسی قرار داد، این روایات با خط نستعلیق نگاشته شده است. فرم نوشتار حالت عرضی دارد، به این مفهوم که هر فرد از افراد خانواده در طول زندگی خود می‌تواند از روایت‌های نقل‌شده بهره‌گیر و ماحصل آن را در بینش خود جاری و ساری نماید.

۴-۱-۵- رمزگان معماری

رمزگان معماری به طور مستقیم به زمان وابسته است، که در سه دسته تکنیکی، نحوی و معنایی قابل بررسی است، در ادامه توضیحات آن ارائه می‌شود.

رمزگان تکنیکی: نوشته‌ها و نگاره‌ها به لحاظ ساختاری به صورت کاشی هفت‌رنگ است، که از مصالح رایج برای کتیبه‌ها محسوب می‌شد که علاوه به تلطیف فضای داخل صحن، نمایش مصالح تزئینی روز در آن عصر به شمار می‌رفت.

رمزگان نحوی: این عمارت به نوعی معرف معماری ایرانی است، چرا که با وجود حیاط مرکزی بیشترین توجه را به فضاهای داخل بنا معطوف می‌کند و نه تنها بر اهمیت این فضا (فضای داخلی) تاکید دارد بلکه آن را به همراه دیگر فضاهای پیرامونش نقطه عطفی از بنا به شمار می‌آورد. به همین ترتیب قرارگیری کتیبه‌ها هم برای معمار و هم کارفرما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. با توجه به تصویر ۴ مشاهده می‌شود برای هر حوزه از کتیبه، قابی در نظر گرفته شده است که این قاب علاوه بر روایت داستانی، نگاره و نوشته خاصی با ایجاد مرزی به تشخیص بخشی جزئی عناصر همت گماشته است. پس‌زمینه روشن باعث تمرکز بیشتر بر قسمت اصلی می‌شود که با توجه به تصویر ۴ همان شمایل انسانی و خطوط نوشته شده است.

رمزگان معنایی: با توجه به مفاهیم تصویر شده چنین استنباط می‌شود که نشانه‌های روشنی از اعتقادات دینی بانیان این عمارت به مذهب تشیع و پیامبر اکرم به صورت مبسوط دیده می‌شود. درست همین‌جاست که این عنصر کوچک معماری (کتیبه) حاوی دلالت عمیق معنایی است.

۴-۱-۶- رمزگان فرا معماری

مجموعه کتیبه‌ها و نگاره‌ها، با روایات مختص به خود، رنگ‌ها و طرح‌های هندسی خطوط و نقوش، قاب‌بندی‌ها، آرایه‌ها، شامل نظام متشکل از نشانه‌های دال و مدلولی هستند که به صورت کدگذاری شده تبدیل به رمزگان بصری می‌شود با این مفهوم که با استناد و ارجاع بر نشانه‌هایی که برای مخاطب قابل فهم شدن است، معانی استنباط می‌شود، معانی قابل استنادی که ریشه در باورها و اعتقادات مشترک در اندیشه و خاطرات جمعی دارد. وجود رنگ زرد به نشانه‌ای از نور و دلالت ضمنی بر وجود خداوند منان و مورد لطف او قرار گرفتن دارد، کسی که هست و نیست جهان به واسطه او شکل می‌گیرد، فرشتگانی که صندلی را نگاه داشته‌اند و میوه‌های بهشتی به او می‌دهند و سجاده سبزی که پهن است تداعی‌کننده ذات اقدس الهی است. خطوط منحنی مدور به نوعی در مفهوم ازلی بودن، نمادی از آخرین مرحله تکامل درونی و یا هماهنگی معنوی است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

اساساً نشانه‌شناسی بر پایه اصولی است که یکی از این اصول ارتباط است. چراکه تحت لوای فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی هویت یافته است و به نظر می‌رسد برای درک چگونگی ارتباط انسانی مطرح می‌شود. نشانه‌شناسی به واسطه مطالعه و ایجاد فرضیه در خصوص نشانه‌ها است، و روند شکل‌گیری‌شان می‌تواند زاده‌ی هر چیزی از بطن چنین روابطی باشد. به این ترتیب است که می‌توان آن را یک نشانه قلمداد کرد. ارتباطی که بین بررسی یک اثر معماری از منظر نشانه‌شناسی و کارکرد ارتباطی زبان وجود

دارد با معادل‌های نظیر به نظیری چون زمینه فرهنگی، رمزگان معماری، کاربرد صحیح، ابزار ارتباطی، کارکردی نمادین و رمزگان فرا معماری در معماری قابلیت تبیین شدن دارد. با بررسی دو بخش از کتیبه‌های خانه قلم‌فرسا می‌توان بر این گفته یاکوبسن صحه گذاشت، آنجایی که معتقد است «در هر موقعیت یکی از عوامل غالب است و این عامل منش کلی پیام را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۶۰). نظریه ارتباطی یاکوبسن اساساً دارای ۶ جزء کارکردی است، کارکرد ارجاعی، کارکرد عاطفی، کارکرد کنایی، کارکرد هنری، کارکرد همدلی، و نیز کارکرد فرازبانی؛ همه این کارکردها به منظور انتقال و دریافت پیام مورد تأکید است با بررسی کتیبه‌های عمارت قلم‌فرسا میتوان چنین اذعان داشت که همه کارکردها انتقال و دریافت پیام را در یک اثر مشاهده نمود این در حالی است یکی از آنها بارزتر از باقی کارکردها است.

منابع

- احمدی، پروین (۱۳۹۷). «تحلیل واژانه بر مبنای الگوی ارتباطی یاکوبسن»، *رخسار زبان*، سال ۲، شماره ۴.
- امامی میبیدی، داوود (۱۳۹۹). «پیام حفاظت معماری در شمای ارتباطی یاکوبسن»، *معماری سبز*، سال ۶، شماره ۳.
- آهی، محمد و مریم فیضی (۱۳۹۲). «نقش‌های شش‌گانه در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۵، شماره ۲۰.
- ایگلتون، تری (۱۳۹۸). *نظریه ادبی*، عباس مخبر، تهران: مرکز.
- چندلر، دنیل (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، مهدی پارسا، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- حاتمی، سعید؛ قاسمزاده، سیدعلی و نجمه امری (۱۳۹۲). «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن»، *ادبیات تعلیمی*، سال ۵، شماره ۱۷.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۵). «یاکوبسن وجودی حاضر و غایب»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۸، شماره ۲.
- صراحتی جویباری، مهدی و مرتضی محسنی (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو»، *کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۳۳.
- عسگری، فاطمه و حسنعلی پورمند (۱۳۹۹). «واکاوی کارکردهای اجتماعی در تایپوگرافی (اعلانهای اسماءالحسنی در ایران) با رویکرد نظری یاکوبسن»، *فصلنامه علمی کیمیای هنر*، سال نهم، شماره ۳۵.
- عقدایی، تورج و فاطمه بیداخویدی (۱۳۹۴). «تعامل زبان و معنا در سوانح احمد غزالی بر پایه نظریه ارتباطی یاکوبسن، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی»، سال ۱۱، شماره ۳۹.
- فاروقی هندوالان، جلیل‌الله (۱۳۸۸). «نقد و تحلیل غزلی از سعدی بر پایه روش یاکوبسن»، *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)*، شماره ۴.

- قاسمی، روح‌الله و میترا مرادی (۱۳۹۷). «تحلیل ساختار شکل‌گیری معنا در شعر «قصه‌ای از شب» مهدی اخوان ثالث بر اساس آراء یاکوبسن»، *جستارهای زبانی*، دوره ۹، شماره ۵.
- قاسمی، شهین (۱۳۹۸). «بررسی جایگاه روایت شنوها و انگیزه راوی در الهی‌نامه عطار نیشابوری (با تکیه بر نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن)»، *شعر پژوهش*، سال ۱۱، شماره ۳.
- مهدیزاده، علیرضا (۱۳۹۵). «بررسی کارکردهای گوناگون عکس‌های مستند اجتماعی بر اساس کارکردهای زبان (نظریه ارتباطی یاکوبسن)»، *کیمیای هنر*، دوره ۵، شماره ۱۸.
- نبی‌لوچهرقانی، علیرضا (۱۳۸۷). «بررسی دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی (در چهارچوب نظریه یاکوبسن)»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۲۲.
- نرسیسیانس، امیلیا، (۱۳۹۱). *انسان، نشانه، فرهنگ*، علیرضا حسن‌زاده، تهران: افکار.
- نوروزی، زینب (۱۳۹۱). «بررسی شعر نظامی بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن»، *پژوهش زبان و ادبیان فارسی*، شماره ۲۴.
- نوروزی، مهناز و آناهیتا مقبلی (۱۳۹۷). «تحلیل فرمی تنگ‌های سفالین دوره سلجوقی کاشان در موزه متروپولیتن با رویکرد نشانه‌شناسی ساختارگرا»، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، شماره ۶.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰). *زبان شناسی و شعر شناسی*، کوروش صفوی، تهران: هرمس.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۹۶). *روندهای بنیادین در دانش زبان*، کوروش صفوی، تهران: هرمس.
- نادری فرد، علیرضا (۱۳۹۹). «مصاحبه اختصاصی انجام‌شده توسط سیده آیدا برکاتی به منظور تهیه اطلاعات و تصاویر عمارت قلم‌فرسا»، تصویر بردار بافت تاریخی شیراز.
- Kuznetsova, K.J. (2011). *Architectural Space and Greimassian Semiotics*, Socialiniu Mokslu Studijos, 3rd time, No. 4, 1280.
- Lambton, A.K.S, (2009). *Shiraz* (Second Edition), University of California UC Berkeley.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

.....